

رُمان

در آسایشگاه سالمندان

www.ketab.ir

نویسنده :

داود علی بابایی

سرشناسه	: علی بابائی، داود، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: رمان در آسایشگاه سالمندان/ نویسنده داود علی بابایی.
مشخصات نشر	: تهران : امید فردا، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۸-۹۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان های فارسی -- قرن ۱۴ th century ۲۰ Persian fiction --
رده بندی کنگره	: ۸۱۵۱ PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۳۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۸۶۶۰۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

انتشارات امید فردا

رمان در آسایشگاه سالمندان

داود علی بابایی

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۸-۹۲-۲

چاپ اول : ۱۴۰۲

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

قیمت : ۹۰۰۰۰ تومان

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

نشانی : تهران - میدان انقلاب - ابتدای خ آزادی - ابتدای جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۲ - واحد ۵

تلفکس : ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفن : ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۰۹۳۵۷۶۰۸۵۰۳

به بهانه پیشگفتار

آن یکی خر داشت پالانش نبود چون که پالان یافت گرگ خر را در ربود
کوزه بودش آب نیامد به دست چون که آبی یافت خود کوزه شکست
(مولوی)

داستان نویس وقتی که درک درستی از مصائب و مشکلات جامعه داشته باشد و با غم و شادی مردم شریک باشد، راحت تر می تواند دست به قلم ببرد و مطالبی را که مد نظرش است را به رشته تحریر درآورد و مردم از مسائلی که در جامعه می گذرد مطلع گردند. گرچه تمام مسائلی را که رُمان نویس و داستان نویس بیان می کند واقعی نمی باشد ولیکن در حد زیادی از آن، از مسائل جامعه نشأت می گیرد. شعر زیر از حافظ می باشد که هم اکنون می توان مصداق آن را در جامعه کنونی مشاهده کرد:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر که طرف کُله کج نهاد و تند نشست کلاه‌داری و آیین کشوری داند
هزار نکته باریک تر ز مو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند
رُمان نویسی در کشور عزیز ما ایران شاید بیش از صد سال قدمت نداشته باشد؛ اولین رُمان ایرانی به صورت مدرن و امروزی به نام تهران مخوف که از دو رُمان تهران مخوف و یادگار یک شب تشکیل می شود به وسیله مرتضی مشفق کاظمی به صورت پاورقی روزنامه و سپس به صورت کتاب درآمد و نویسندگان دیگر او را الگو قرار دادند و دست به رُمان نویسی زدند.

رُمان همان داستان بلند می باشد که در زمینه ی سیاسی ، تاریخی ، اجتماعی و فلسفی نوشته می شود و نقطه مقابل آن داستان کوتاه (ناول) قرار دارد که بسیاری نویسندگان سعی می کنند حوادث پیش آمده را به صورت داستان کوتاه بیان کنند . داستان کوتاه نویسی با نوشتن مجموعه داستان یکی بود ، یکی نبود محمد علی جمال زاده آغاز گردید و نویسندگان در صد سال اخیر او را برای خود الگو قرار دادند . اگر به تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران بنگریم به این مطلب پی می بریم که همیشه مردم بازیچه دست پادشاهان و سیاست بازان بوده اند که این افراد فرصت طلب به هر حيله و تزویری که شده مردم را به دنبال خود می کشیده اند تا به اهداف مالی و قدرت سیاسی خود برسند و این مردم بیچاره همیشه سپر بلا و فدایی این افراد قلمداد می شدند و تاریخ ایران زمین کمتر افرادی مانند قائم مقام فراهانی ، امیر کبیر ، حسین خان سپهسالار و ... را به خود دیده است که تمام هم و غمشان خدمت به مردم و جامعه بوده باشد و برای این سال ها زندان و تبعید را تحمل کرده اند و یا در این راه جان خود را از دست داده اند . ولیکن با تمام این عوام فریبی ها نباید گفته ی آبراهام لینکلن رئیس جمهور اسبق آمریکا را از نظر دور داشت که می گوید : می توان برخی از مردم را فریب داد و می توان نیمی از مردم را فریب داد و نیز می توان اکثریت مردم را فریب داد و لیکن نمی توان همه مردم را فریب داد .

یک ادیب ، نویسنده و داستان نویس رسالتی دارد اگر چه این رسالت جزیی می باشد و لیکن باید عکس العملی از برداشت های خود از مردم و جامعه و فرهنگش را به منصه ی ظهور رساند . گاه این مسائل و برداشت ها تلخ است ، گاه شیرین ، گاه شادی بخش است گاه اندوه بار ، حتی اگر نوشته های او خواننده ای نداشته باشد ، باید به قول صادق هدایت برای سایه اش که روی دیوار افتاده است بنویسد .

موضوعاتی که یک داستان نویس مطرح می کند باید منطبق بر فرهنگ مردم جامعه اش باشد و چون فرهنگ جامعه ما نشأت گرفته از فرهنگ ایرانی می باشد نباید این مسائل مغایر با معتقدات مسلکی و ایرانی مردم جامعه باشد .

هم اکنون یک نوع سیاست زدگی بر مردم کشور ما حاکم می باشد و مردم متأسفانه زود فریب سیاست بازان را می خورند و تحت تأثیر وعده و وعیدهای آنها قرار می گیرند . باید به هر وسیله ای شده است مردم را از ورطه هلاکت بیرون کشید .

من خودم متأسفانه هر چه تلاش می کنم ، نمی توانم با دردها ، غم ها و اندوه ها و مشکلاتی که در جامعه وجود دارد آنها را در قالب طنز و فکاهی بریزم و لیکن با تمام این احوال باز هم سعی می کنم نوشته هایم را در قالب طنز بیان نمایم .

رمان مطرح ، در آسایشگاه سالمندان اتفاق افتاده است .

داود علی بابایی

تهران - تابستان ۱۴۰۲